

بحث و بررسی دربارهٔ مقولهٔ توسعه یافتگی که یکی از هدفهای بلندمدت کشورهاست، بسیاری از اندیشمندان را به پژوهش و شناخت این فرایند واداشته و زمینه‌های مطالعاتی فراوانی را در سراسر جهان در بر گرفته است. بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران توسعه را جریانی چند بعدی می‌دانند که در گرو دیگر گونیه‌های اساسی در ساخت اجتماعی، باورهای شهروندان و نهادهای ملی و نیز شتاب دادن به رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است و در اصل باید نشان دهد که مجموعهٔ نظام اجتماعی، هماهنگ با خواستها و نیازهای اساسی گوناگون افراد و گروه‌های اجتماعی متفاوت در داخل نظام، به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر از حالت‌های گذشته است، گرایش می‌یابد.

برای دستیابی به این هدفها باید وضع جامعه به درستی شناخته شود و این در واقع از ضرورت‌های مطالعه دربارهٔ توسعه یافتگی است، زیرا با بررسی دقیق شاخص‌های متفاوت ابعاد توسعه، بر نام‌ریزان می‌توانند با بینشی دقیق و ژرف‌کاوانه، به کار توسعه بپردازند و نیز از تلباط اجرایی نظام اجتماعی با یکدیگر را با شیوه‌های علمی به تحلیل گران بنمایانند. به این سبب، نویسندگان این نوشتار کوشیده‌اند با ارائهٔ شاخصهای گوناگون توسعه در ابعاد اجتماعی و اقتصادی و مقایسه آنها با شاخص‌ها در برخی کشورها، روند توسعه اجتماعی-اقتصادی ایران را نشان دهند و به ارزیابی آن بپردازند.

شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی در ایران

راهدفی نهایی دانسته‌اند و خواستار دستیابی به آن بوده‌اند. هر چند این مقوله، فرایندی چند بعدی است، اما در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ معنایی صرفاً اقتصادی داشت و بر این اساس، کشورهای توسعه یافته شناخته می‌شدند که اقتصاد ملی آنها توانایی لازم را برای تداوم بخشیدن به رشد سالانه تولید ناخالص ملی با نرخهای بالا داشت. چنین بود که سازمان ملل نیز با توجه به نیاز کشورها به توسعه، دهه‌های ۶۰ و ۷۰ را دهه‌های توسعه نامید؛ هر چند در آن دهه‌ها نیز توسعه همواره بعنوان يك پدیدهٔ اقتصادی مطرح می‌شد. (تودارو؛ ۱۳۷۸: ۲۱-۲).

از آنجا که برنامه‌های توسعه، بر اساس تعریفهای کلاسیک و اولیهٔ آن (تعریفهایی که فقط بعد اقتصادی توسعه را در بر می‌گیرد)، دستاوردی را که از آنها انتظار می‌رفت، یعنی رشد فزایندهٔ سطح زندگی مردمان، نداشت، بلکه سبب تقسیم شدن جهان به دو بخش دارا و ندار شد، کم‌کم جوانب دیگر توسعه، از جمله جنبهٔ اجتماعی آن مورد توجه محافل علمی قرار گرفت. همچنین، پس از

درآمد

در این دوران که همهٔ ملت‌های جهان برای رسیدن به ثبات و پیشرفت می‌کوشند، بی‌گمان توسعه یافتگی بعنوان یکی از بنیانهای باثبات، در برنامه‌ریزی کشورها مورد نظر قرار می‌گیرد و چونان فراگردی جامع که در گرو دیگر گونی‌های بنیادین در ساخت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است، بعنوان راهبردی و الگویی برای رفاه و بهروزی مطرح می‌شود. اما اینکه چگونه این فراگرد در يك جامعه رخ می‌نماید، نخستین مسئله‌ای است که باید با پژوهش و بررسی گسترده، پاسخ آن را یافت. این دغدغهٔ اساسی، نگارندگان این نوشتار را واداشته است که به تشریح و تحلیل وضع توسعه در جامعهٔ ایران بپردازند.

به نظر می‌رسد که در این دوران تغییرات و دیگر گونی‌های پرشتاب و همه‌جانبه در عرصهٔ جهانی هر روز بیش از پیش سبب جدایی کشورهای با اصطلاح توسعه یافته از کشورهای توسعه نیافته می‌شود. از این رو، جوامع گوناگون همیشه توسعه

دکتر صمد کلاتری

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

محمد گنجی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

○ بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران، توسعه را جریانی چند بُعدی می‌دانند که در گرو دگرگونیهای اساسی در ساخت اجتماعی، باورهای شهروندان و نهادهای ملی و نیز شتاب دادن به رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است و در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با خواسته‌ها و نیازهای اساسی گوناگون افراد و گروه‌های اجتماعی متفاوت در داخل نظام، به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر از حالت‌های گذشته است، گرایش می‌یابد.

شد و عده‌ای در قالب مکتب رفاه‌گرایی و برخی با رویکرد مارکسیستی به تبیین مفهوم جدید توسعه پرداختند. دسته اول که نظریه‌پردازان آن وارنر (Warner)، ماکس ویر (M. Weber) و میلز و گرت (Mills & Gerth) بودند توسعه اجتماعی را حرکت به سوی کیفیت بهتر زندگی و امکان دستیابی به فرصت‌ها و شرایط زندگی مناسب‌تر و تجربه‌های بهتر می‌دانند. پیروان دسته دوم، مانند همیشه، با تأکید بر مقوله برابری اجتماعی، توسعه اجتماعی را ایجاد یک ساختار اجتماعی می‌دانند که بر اساس آن، اکثریت محروم جامعه، نه تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از سهم خود از منابع ملی را می‌یابند، بلکه به آنها برای رسیدن به این هدف کمک می‌شود. از جمله اندیشمندان در این مکتب دونگ کیم (Dong Kim) است که توسعه اجتماعی را راهی جامعه از استعمار، استثمار و استبداد می‌داند. (نظری؛ بی تا: ۱۳۲)

بنابراین، از این گفته‌ها چنین برمی‌آید که در یک مفهوم، توسعه اقتصادی، تحول شاخص‌های اقتصادی در جامعه، از جمله افزایش تولید ناخالص ملی، رشد درآمد سرانه افراد، رشد پروتاد محصولات، رشد سالانه بخش‌های اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات و...) است. به سخن دیگر، توسعه اقتصادی فرآیندی است که در بر تو آن شالوده‌های اقتصادی جامعه دگرگون می‌شود، به گونه‌ای که برآیند این دگرگونی و تحول در درجه نخست، کاهش نابرابری اقتصادی و تغییر زمینه‌های تولید و توزیع و الگوی مصرف جامعه است و توسعه اجتماعی «توسعه‌ای است مبتنی بر نیازهای حیاتی و اجتماعی مشترک انسانها، با اهدافی چون آزادی، امنیت، برابری، عدالت، صلح، انسجام و وحدت، فقرزدایی و بهبود تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال و آموزش و پرورش و چگونگی گذراندن اوقات فراغت.» (وایست؛ ۱۳۷۸: ۴۵)؛ همچنین، مسیری است برای ارتقای مستمر جامعه و نظام اجتماعی، با بهره‌گیری از مواهب طبیعی، بهبود روابط اجتماعی و امکان رشد افراد از جنبه‌های گوناگون انسانی و نیز نهادسازی و تقسیم دوباره نقش‌های اجتماعی برای دستیابی به عدالت و وفاق و افزایش ضریب امنیت اجتماعی.

تجربه‌های تلخ دهه‌های ۵۰ و ۶۰، سازمان ملل در قطعنامه ۲۶۲۶ در زمینه استراتژی بین‌المللی توسعه، افزون بر دگرگونیهای کیفی و ساختاری اقتصاد جامعه، به برخی متغیرهای اجتماعی، از جمله کاهش نابرابری، فقر و... در قالب توسعه اشاره کرد (دیاکیت؛ ۱۳۷۱: ۶۹) و با رسمیت یافتن برخی متغیرهای اجتماعی توسعه در محافل علمی و رسمی، توسعه اجتماعی بعنوان یکی از معیارهای اساسی مورد توجه بسیاری از اندیشمندان قرار گرفت. «تودارو» که یکی از صاحب‌نظران در این زمینه است، می‌گوید: توسعه در همه جوامع باید این هدفهای اساسی را پیگیری کند:

- ۱- دسترسی بیشتر به امکانات تداوم بخش زندگی چون خوراک، مسکن، بهداشت و...
- ۲- بالا رفتن سطح زندگی، با افزایش درآمد، ایجاد زمینه اشتغال، آموزش بهتر و...
- ۳- گسترش دامنه انتخاب‌های اقتصادی و اجتماعی افراد و ملت‌ها، باره‌نیدن آنها از قید بردگی و وابستگی و... (تودارو؛ ۱۳۷۸: ۲۶).

به این ترتیب، مسائل تازه‌ای چون خودکفایی، عدالت اجتماعی، برابری و بهبود کیفیت زندگی همراه با رشد اقتصادی در تعریفهای توسعه مطرح شد و مفهوم تازه آن را پدید آورد.

در تبیین مفهوم توسعه اجتماعی، برخی اندیشمندان تعریفهای گوناگون ارائه کرده‌اند. دی. سی. کورتن (D.C. Corton) آن را توجه به انسانها به جای توجه به کانون اقتصاد صرف می‌داند و سی. ان. پادنگارن (C.N. Padongkam) بر بهبود کیفیت زندگی مردمان تأکید می‌کند؛ مرکز توسعه منطقه‌ای ملل متحد (UNCRD) توسعه اجتماعی را تدارک خدمات اجتماعی مورد نیاز شهروندان می‌داند و بر بهبود کیفیت زندگی مردمان از راه تأمین آموزش، کار، بهداشت، مسکن، رفاه اجتماعی، اصلاحات ارضی، توسعه محلی، ایمنی در برابر آسیب‌های طبیعی و توجه به بخش‌های گوناگون جامعه از جمله زنان و کودکان و... تأکید می‌کند. (UNCRD: 1988; 32-36)

پیدایش مفهوم تازه توسعه کم‌کم سبب تقسیم محافل علمی با دیدگاههای گوناگون در این زمینه

بر اساس آن تهیه و تنظیم شده است. (صوفی مجیدپور؛ ۱۳۸۳: ۷۴)

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا با استفاده از دیدگاه‌های دیگری جز از این دیدگاه فایده‌گرایانه نمی‌توان در صدد ارزیابی عملکرد اجتماعی برآمد؟ به این پرسش شاید بتوان چنین پاسخ داد که به هر حال جامعه یا اجتماع باید شرایطی پدید آورد که افراد و اعضای آن بتوانند مجموعه تواناییهای خود را از قوه به فعل تبدیل کنند. از سوی دیگر، گذار از جامعه‌ای که افراد بالقوه توانا دارند، به جامعه‌ای که افراد آن بتوانند مجموعه توانمندیهایشان را به کار گیرند، در گرو سرمایه‌گذاریهای بزرگ است. افزون بر این، به نظر می‌رسد که رشد امکانات طبیعی، اصلاح نظام توزیع اجتماعی، طبقاتی و جنسیتی مجموعه امکانات مالی، فیزیکی، آموزشی و بهداشتی، رشد میزان باسوادی، نسبت تحصیلکرده‌ها در مراکز آموزش عالی به کل جمعیت، میزان اشتغال، نسبت زنان شاغل به کل شاغلان و مهمتر از همه، داشتن تعریف یا تعریف‌های درست از جامعه، فرد، پیشرفت، وضع مطلوب یا نامطلوب و... شرایط لازم برای این گذار است. اندازه‌گیری کیفیت این گذار و سنجش وضع آن در هر مقطع زمانی نیز در گرو کاربرد ملاک‌ها و معیارهایی است که بتوان میزان و چگونگی کارکرد اجزای گوناگون نظام اجتماعی را اندازه‌گیری و ارزیابی کرد. این ملاک‌ها و معیارها را «شاخص‌های اجتماعی» می‌نامیم.

آیا شاخص‌های اجتماعی ایران در سالهای اخیر روندی فزاینده را نشان می‌دهند یا کاهش یافته‌اند؟ آیا دگرگونی آشکاری در شاخص‌های اجتماعی ایران پدید آمده است؟ آیا افزایش یا چند شاخص به معنای توسعه اجتماعی کشور است؟ و... واقعیت این است که به دلایل گوناگون پاسخگویی دقیق به این پرسشها چندان آسان نیست. کمبود نظام آمار و اطلاعات، دشواری تعریف و اندازه‌گیری، نبود اجماع نظری و متناقض بودن برخی شواهد، از جمله دلایل دشواری این کار است.

با وجود همه دشواری‌ها، کوششهای

بر این اساس، چون برنامه‌ریزی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی در گرو شناخت شرایط جامعه است، به برخی شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور اشاره می‌شود.

با نگاهی به تاریخ معاصر ایران می‌توان گفت که «اولین برنامه‌ریزی در زمینه توسعه بطور رسمی در ۱۱ فروردین ماه ۱۳۱۶ با تأسیس شورای اقتصاد شکل گرفت و یکی از وظایف این شورا، طرح نقشه‌های اقتصادی و ارائه راهبردهای لازم در اجرای آنها بود و در سال ۱۳۲۵ مقرر گردید که بر اساس دو اصل بالا بردن واحد سطح زندگی و تعدیل در توزیع ثروت، نقشه‌هایی طرح و پیشنهاد شود.» (تاس. ا. ج؛ ۱۳۷۷: ۱۴) بنابراین، نخستین برنامه عمرانی کشور از آن تاریخ، پس از طی شدن مراحل قانونی به اجرا درآمد، به گونه‌ای که در میان کشورهای توسعه یافته، مگر آلمان که از سال ۱۹۳۳ به برنامه‌ریزی روی آورده بود، این کار تنها با کارهای فرانسه و ژاپن که فقط یک سال پیش از ایران به برنامه‌ریزی اقتصادی پرداخته بودند، قابل مقایسه بود. (مؤمنی؛ ۱۳۷۴: ۱۸)

روند شاخص‌های توسعه اجتماعی در ایران

جامعه مجموعه‌ای است از سازمانها و نهادهایی که روابط افراد را تنظیم می‌کند. در چنین جامعه‌ای با مجموعه ارتباطات، هدف از زندگی هر چه باشد، به هر روی رضایتمندی افراد از زندگی، ملاک و معیار قابل قبولی برای اندازه‌گیری عملکرد آن جامعه است. از آنجا که بخشی از این رضایتمندی محصول امکاناتی است که جامعه در اختیار افراد و اعضای خود قرار می‌دهد، منطقی به نظر می‌رسد که مجموعه امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در اختیار افراد را نیز یکی از ملاکهای سنجش رضایتمندی افراد جامعه بدانیم؛ آنگاه با این فرض که بین میزان رضایتمندی فردی اعضای جامعه و عملکرد اجتماعی رابطه‌ای مثبت برقرار است، می‌توانیم امکانات در اختیار افراد را ملاکی برای ارزیابی تقریبی رفاه اجتماعی به‌شمار آوریم. این برداشت ضمنی از رفاه اجتماعی، بن‌مایه دیدگاهی نظری است که گزارش توسعه انسانی ایران

○ مرکز توسعه منطقه‌ای
ملل متحد (UNCRD)
توسعه اجتماعی را تدارک
خدمات اجتماعی مورد نیاز
شهر و ندان می‌داند و بر بهبود
کیفیت زندگی مردمان از راه
تأمین آموزش، کار،
بهداشت، مسکن، رفاه
اجتماعی، اصلاحات
ارضی، توسعه محلی،
ایمنی در برابر آسیب‌های
طبیعی و توجه به بخش‌های
گوناگون جامعه از جمله
زنان و کودکان و... تأکید
می‌کند.

بسیاری هم برای تولید داده‌ها و کمی کردن شاخص‌های اجتماعی در سالهای اخیر صورت گرفته است که یکی از برجسته‌ترین آنها، تهیه و انتشار «نخستین گزارش توسعه انسانی ایران» است که در زیر به برخی از آمارهای مندرج در آن و همچنین دستاورد پژوهش‌های داخلی در این زمینه اشاره می‌شود.

بر پایه روش‌های اعلام شده از سوی برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)، اجزای شاخص توسعه انسانی اینهاست: «امید به زندگی» به هنگام تولد، میزان باسوادی بزرگسالان، نسبت ترکیبی ثبت نام در دوره‌های ابتدایی و متوسطه و دبیرستان و تولید ناخالص داخلی سرانه به دلار بر پایه شاخص برابری توان خرید (PPPS). پس از بر آورد شاخص‌های یاد شده، سه نماگر ترکیبی: امید به زندگی، شاخص آموزش و تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود و شاخص توسعه انسانی

هم میانگین غیر وزنی این سه شاخص است. بر پایه جدول شماره یک می‌توان گفت که بر سرهم، شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۱۹۹۷ نسبت به سال ۱۹۸۸ دارای رشد بوده است (۱۸/۰۶ درصد رشد). این نکته در جدول زیر که اجزای شاخص توسعه انسانی را نشان می‌دهد آشکار است.

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که اجزای تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی ایران در دهه‌ای که گفته شد، بر سرهم رشد کرده است؛ هر چند رشد تربیت پزشک، خدمات بهداشتی، دسترسی به آب سالم و سیستم تخلیه آب و تولید ناخالص واقعی سرانه برجسته تر بوده است. همچنین در نگاه اول و با استناد به برخی دیگر از آمارهای موجود دیگر، کاهش میانگین رشد جمعیت از ۲/۴۶ درصد در سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ به ۱/۴ درصد در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۶ و

○ با این فرض که بین میزان رضایتمندی فردی اعضای جامعه و عملکرد اجتماعی رابطه‌ای مثبت برقرار است، می‌توانیم امکانات در اختیار افراد املاکی برای ارزیابی تقریبی رفاه اجتماعی به شمار آوریم. این برداشت ضمنی از رفاه اجتماعی، بن مایه دیدگاهی نظری است که گزارش توسعه انسانی ایران بر اساس آن تهیه و تنظیم شده است.

جدول شماره یک - شاخص توسعه انسانی ایران

۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸
۰/۷۵۸	۰/۷۶۲	۰/۷۵۹	۰/۷۶۱	۰/۷۶۰	۰/۷۶۷	۰/۷۳۶	۰/۷۱۱	۰/۶۵۸	۰/۶۴۲

بر گرفته از: (Human Development Report of Iran: 1999: 146)

جدول شماره ۲ - اجزای شاخص توسعه انسانی

شاخص	۱۹۸۸	۱۹۹۷	میزان کلی رشد	متوسط رشد
«امید به زندگی» در بدو تولد	۶۶/۶	۶۹/۵	۴/۳۵	۰/۴۸۳
نرخ رشد باسوادی بزرگسالان	۵۷/۱	۷۴/۵	۳۰/۴۷	۳/۳۸
نرخ ترکیبی نسبت ثبت نام ناخالص	۶۵/۶	۷۵	۱۴/۳۲	۱/۵۹
تولید ناخالص واقعی سرانه به دلار	۳۷۱۵	۵۲۲۲	۴۰/۵۶	۴/۵
شاخص امید به زندگی	۰/۶۱۰	۰/۷۴۲	۲۱/۶۳	۲/۴۰
شاخص آموزش	۰/۵۷۱	۰/۷۴۷	۳۰/۸۲	۳/۴۲
شاخص تولید ناخالص داخلی	۰/۷۱۶	۰/۷۸۵	۹/۳۶	۱/۰۷
درصد جمعیتی که به آب سالم دسترسی ندارند	۱۴/۳	۵/۵	۶/۱۵	۶/۸۳
درصد جمعیتی که به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند	۲۲/۱	۶	۷۲/۸۲	۸/۰۹
درصد جمعیتی که به سیستم تخلیه آب دسترسی ندارند	۷۲	۳۵/۷	۵۰/۴۱	۵/۶۰
مصوبیت جمعیت در برابر بیماری سل	۸۸	۹۸/۳	۱۱/۷۱	۱/۳۰
مصوبیت جمعیت در برابر سرخک	۸۳	۹۵	۱۴/۴۵	۱/۶۰
پزشک برای هر صدهزار نفر	۴۹/۹	۱۰۷/۹	۱۱۶/۲۳	۱۲/۹۱
هزینه کلی برای سلامت از GNP	۲/۳	۲	۱۳/۰۴	۱/۴۴
هزینه کلی برای آموزش از GNP	۴	۵/۳	۳۲/۵	۳/۶

مأخذ (همان: ۱۶۷-۱۴۵)

توسعه انسانی ۰/۲۷۵ در دهه آخر.
(HDR, 2002: 149-152)

چنان که جدول شماره ۳ نشان می دهد، بسیاری از شاخص های اجتماعی در ایران سیر صعودی یافته است، اما نسبت به کشورهای دیگر، از جمله کشورهای همسایه خود در گذشته از نظر برنامه ریزی، مانند مالزی و کره جنوبی، از درجه توسعه یافتگی کمتری برخوردار است. این کشورها که چه از لحاظ داشتن نیروی انسانی ماهر و چه از نظر امکانات و منابع از ایران پایین تر بودند، اینک گوی سبقت را در توسعه یافتگی از ایران ربوده اند. نکته دیگر اینکه، روند توسعه یافتگی زمانی بهتر مشخص می شود که روند نابسامانی های آن کشور نیز در تحلیل ها و بررسیها مورد توجه قرار گیرد. از این رو، بجاست که گذری کوتاه نیز به روند برخی نابسامانی ها داشته باشیم تا روند توسعه اجتماعی بهتر دیده شود.

در جدول شماره ۴ به سادگی می توان روند رشد برخی از نابسامانی ها را در این سالها دید. آنچه

رسیدن آن به ۱/۵ درصد در سال ۱۳۸۱، کاهش مرگ و میر به اندازه ۲۳ درصد، افزایش نسبت نیروی کار زنان و عرضه کالری سرانه روزانه از ۲۶۱۲ به ۳۵۰۵ کالری در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۷ را می توان دلگرم کننده و نشان دهنده چشم اندازی روشن از روند توسعه انسانی و اجتماعی در آن دهه دانست. (صوفی، ۱۳: ۸۶) اما آیا تصویر مثبتی که این آمارها ارائه می کند کافی است تا از بهبود کیفیت زندگی اجتماعی در ایران مطمئن شویم و آیا می توان گفت که کیفیت کارکرد نظام اجتماعی در ایران بهبود یافته است؟ در این زمینه به نظر می رسد که ارائه برخی دیگر از آمارها و مقایسه های جهانی، سرآغاز مناسبی برای ارزیابی گسترده شاخص های اجتماعی و انسانی باشد. بر پایه گزارش UNDP در زمینه توسعه انسانی، در میان ۱۷۳ کشور جهان، رتبه توسعه انسانی ایران ۹۸ است. این گزارش نشان می دهد که نروژ با شاخص توسعه انسانی ۰/۹۴۲ در سال ۲۰۰۲ در رده نخست بوده است و سیرالئون با شاخص

○ بر پایه روش های اعلام شده از سوی برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)، اجزای شاخص توسعه انسانی اینهاست: «امید به زندگی» به هنگام تولد، میزان باسوادی بزرگسالان، نسبت ترکیبی ثبت نام در دوره های ابتدایی و متوسطه و دبیرستان و تولید ناخالص داخلی سرانه به دلار بر پایه شاخص برابری توان خرید.

جدول شماره ۳ - مقایسه شاخص های اجتماعی ایران با دیگر کشورها

شاخص های اجتماعی	سال	ایران	مالزی	کره جنوبی	ژاپن
امید به زندگی در هنگام تولد به سال	۱۹۸۰	۶۰/۱۲	۶۶/۸۷	۶۶/۸۴	۷۶
	۱۹۹۶	۶۹/۸۴	۷۱/۸۹	۷۲/۰۴	۷۹/۷۶
میزان خالص مرگ و میر از هر ۱۰۰۰ نفر	۱۹۸۰	۱۱/۳۶	۶/۲۸	۵/۷۴	۶/۱
	۱۹۹۶	۵/۳۶	۲/۵	۸/۵۸	۷/۱
میزان مرگ و میر کودکان از هر ۱۰۰۰ نفر	۱۹۸۰	۹۱/۶	۳۰/۴	۲۵/۸	۷/۵
	۱۹۹۶	۳۵/۶	۱۱/۴	۹/۴	۴/۱۵
میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال	۱۹۹۵	۵۹	۱۴	۱۴	۶
	۱۹۹۶	۳۷	۱۱	۱۴	۶
میزان دلار ایو در روزنامه از هر ۱۰۰۰ نفر	۱۹۸۰	۲۵	۵۹	۲۱۹	۵۶۷
	۱۹۹۴	۱۷	۱۲۴	۲۱۳	۵۷۶
دسترسی به آب سالم	۱۹۸۵	۷۱	۷۱	۱۰۰	۹۹
	۱۹۹۲	۸۳	۸۷/۸	۱۰۰	۹۵
تعداد افراد دارای موبایل از هر ۱۰۰۰ نفر	۱۹۹۵	۰/۲۳	۴۹/۹۳	۳۶/۵۹	۹۳/۵۳
	۱۹۹۶	۰/۹۸	۷۳/۸۷	۶۹/۸۴	۲۱۳/۹۴
تعداد افراد دارای تلفن ثابت از هر ۱۰۰۰ نفر	۱۹۹۴	۶۵/۶۹	۱۴۶/۸۷	۳۵۹/۹۹	۴۸۰/۳۲
	۱۹۹۶	۹۵/۲۹	۱۸۳/۲۴	۴۳۰/۳۶	۴۸۹/۲۲
تعداد افراد دارای کامپیوتر از هر ۱۰۰۰ نفر	۱۹۹۴	۱۲/۱۶	۳۲/۸۲	۸۶/۹۵	۸۶/۵۵
	۱۹۹۶	۳۲/۳۷	۴۲/۷۵	۱۳۱/۶۷	۱۲۸/۰۲
تعداد افراد دارای وسیله نقلیه از هر ۱۰۰۰ نفر	۱۹۹۴	۳۶/۱۶	۱۴۰/۰۷	۱۶۶/۵۶	۵۲۰/۱۶
	۱۹۹۶	۳۷/۸۰	۱۵۲/۰۳	۱۹۴/۶۰	۵۵۱/۵۸
نرخ بیسوادی زنان بیشتر از ۱۵ سال	۱۹۹۵	۳۴/۲	۲۱/۸۹	۳/۲۹	-
نرخ بیسوادی مردان بیشتر از ۱۵ سال	۱۹۹۵	۲۱/۶۰	۱۰/۸۹	۰/۶۹۹	-
نرخ بیسوادی کل	۱۹۹۵	۲۷/۸۹	۱۶/۵	۲	-

بر گرفته شده از: (World Bank: 2002)

جدول شماره ۴- روند برخی نابسامانی‌های اجتماعی

متغیر	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	میانگین رشد
۱	۱۳۱۶۱۹	۲۲۷۵۳۱	۸۲۰۶۶۷	۹۶۹۹۸۲	۱۰۳۹۹۳۸	۱۱۶۷۶۷۵	۱۳۲۳۴۷۸	۱۵۱۹۱۱۳	۱۳
۲	۹۸۳۹	۶۱۳۷۶	۶۹۳۷۷	۹۱۳۱۳	۹۹۶۶۲	۱۱۰۱۷۰	۱۲۰۵۳۸	۱۳۴۶۱۳	۱۴
۳	۵۱۸۶۹	۵۰۲۴۴	۵۵۳۱۹	۵۷۱۰۹	۶۰۵۹۷	۵۶۳۵۵	۵۲۰۹۷	۶۲۰۴۸	۳/۸
۴	۳۴۷۹	۲۹۷۶	۲۸۱۸	۲۸۶۸	۲۷۹۷	۲۷۰۸	۲۷۴۹	۳۲۷۵	۱/۹۵
۵	۱۳۵۹۰۶	۱۸۹۲۶۸	۱۶۳۸۵۵	۱۵۶۲۲۱	۱۳۹۱۳۳	۲۰۲۷۵۱	۱۸۸۳۷۹	۱۱۱۹۳۶	۲/۹

مأخذ: (صوفی مجیدیور؛ ۱۳۸۳: ۸۷)

۱. پرونده‌های مختومه در دادگاه شامل قتل عمد، ایراد ضرب و جرح، اختلاس، ارتشاء و جعل، سرقت و صدور چک بلامحل است.
 ۲. پرونده‌های مختومه طلاق.
 ۳. مجرمان دستگیر شده.
 ۴. خودکشی.
 ۵. انواع مواد مخدر کشف شده
- (گفتنی است که آمارهای ارائه شده در سال ۱۳۷۳ فقط هشت ماه آخر این سال را پوشش می‌دهد.)

○ بر پایه گزارش UNDP در زمینه توسعه انسانی، در میان ۱۷۳ کشور جهان، رتبه توسعه انسانی ایران ۹۸ است. این گزارش نشان می‌دهد که نروژ با شاخص توسعه انسانی ۰/۹۴۲ در سال ۲۰۰۲ در رده نخست بوده است و سیرالئون با شاخص توسعه انسانی ۰/۲۷۵ در رده آخر.

شمار پرونده‌های مربوط به جرایم نوجوانان در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۶ رو به افزایش نهاده و شدت این افزایش در سال ۱۳۷۹ از سالهای دیگر بیشتر بوده است.

بر پایه داده‌های جدول شماره ۶، درصد تغییر پرونده‌های بسته شده در برخی استانهای کشور بیش از اندازه طبیعی آن بوده است (قزوین ۲۳۶ درصد، قم ۱۰۴ درصد و ...). همچنین با دقت در برخی منابع و آمارهای دیگر می‌توان گفت که افزایش جرم و جنایت و آسیب‌های اجتماعی به گونه‌ای است که شمار پرونده‌های موجود در دادگاههای کشور از ۱۵۸۰۵۵۳ پرونده در سال ۱۳۷۶ به ۷۶۶۷۷۸۲ پرونده در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است؛ یعنی از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۰ نزدیک به ۳۸/۸ درصد رشد داشته است (این روند در جدول بالا نیز دیده می‌شود)، به گونه‌ای که در برخی استانها چند برابر شده است. حال پرسش این است که اگر روند شاخص‌های آموزش مثبت است، چرا نتیجه آن در کاهش پرونده‌های مختومه در دادگاهها دیده نمی‌شود؟ از این رو، درمی‌یابیم که رشد برخی متغیرهای انسانی در یک کشور به معنی ورود آن کشور به عرصه توسعه نیست، زیرا جامعه انسانی مجموعه‌ای از سازمانها، روابط و نهادهای مرتبط است و به این سبب، در تحلیل دگرگونیهای اجتماعی باید همه جنبه‌ها دیده شود. به سخن دیگر، باروند صعودی برخی

در جدول بالا برجسته می‌نماید، این است که طلاق، بعنوان مهمترین شاخص گسست خانواده‌ها در ردیف نخست آمارها (با میانگین ۱۴ درصد رشد) قرار گرفته است. بنابراین، پرسشی که ممکن است به ذهن هر تحلیل‌گر برسد، این است که چگونه به رغم رشد مثبت همه شاخص‌های متداول انسانی و اجتماعی، برخی از مهمترین شاخص‌های اجتماعی، چون طلاق که مبین سستی نهاد خانواده است روندی صعودی، آنها را با سرعتی نگران کننده، نشان می‌دهد؟ برای آشنایی بیشتر با مقوله نابسامانی‌های اجتماعی به بازگویی آمارهای مربوط به برخی جرایم دیگر که در جدولها آمده است و همچنین رتبه‌بندی استانها از نظر ارتکاب جرم می‌پردازیم.

همان گونه که در جدول شماره ۵ دیده می‌شود،

جدول شماره ۵- آمار پرونده‌های مربوط به جرایم نوجوانان از سال ۱۳۷۶-۱۳۸۰

سال	تعداد	درصد
۱۳۷۶	۸۷۶۵	—
۱۳۷۷	۸۳۲۰	-۵
۱۳۷۸	۸۴۶۹	۱۱/۸
۱۳۷۹	۱۱۶۰۹	۳۷
۱۳۸۰	۱۴۵۱۸	۲۵

مأخذ: (موسوی چک، ۱۳۸۱: ۵)

جدول شماره ۶- رتبه بندی استانها بر پایه شمار پرونده های بسته شده در دادگاههای عمومی

کشور در سال ۸۰ نسبت به ۷۶

رتبه در کشور	درصد تغییرات	استان	رتبه در کشور	درصد تغییرات	استان
۱۵	۴۶/۹	ایلام	۱	۲۳۶	قزوین
۱۶	۴۵	خوزستان	۲	۱۰۴	قم
۱۷	۴۴	بوشهر	۳	۹۱/۵	چهارمحال و بختیاری
۱۸	۴۲/۶	سمنان	۴	۹۱/۴	کهگیلویه و بویراحمد
۱۹	۳۹/۹	همدان	۵	۷۹/۴	اردبیل
۲۰	۳۵/۲	گیلان	۶	۷۸/۳	هرمزگان
۲۱	۳۴	لرستان	۷	۷۵	سیستان و بلوچستان
۲۲	۳۲/۸	کردستان	۸	۶۴/۵	فارس
۲۳	۳۲	آذربایجان شرقی	۹	۶۰/۲	یزد
۲۴	۲۸/۶	کرمان	۱۰	۵۸/۵	تهران
۲۵	۲۱/۵	کرمانشاه	۱۱	۵۸/۱	اصفهان
۲۶	۲۰/۳	آذربایجان غربی	۱۲	۵۷	خراسان
	-	گلستان	۱۳	۵۲/۲	مرکزی
	-	مازندران	۱۴	۴۷/۱	زنجان

مأخذ: (همان: ۱۵)

جدول شماره ۷- شاخص های آمارهای اجتماعی به تفکیک استانها

استان	میزان شهرنشینی	شمار دانش آموختگان در مراکز آموزش عالی به ۱۰۰ هزار نفر	میزان باسوادی	میزان باسوادی زنان
آذربایجان شرقی	۶۰/۲۸	۱۱۱۷	۷۵/۳۶	۶۸/۲۴
آذربایجان غربی	۵۲/۶۸	۸۹۲	۶۹/۰۲	۵۸/۶۷
اردبیل	۴۸/۶۷	۷۲۲	۷۲/۳۵	۶۴/۹۱
اصفهان	۷۴/۳۰	۱۷۰۸	۸۵/۲۵	۸۲/۰۹
ایلام	۵۲/۲۳	۷۵۰	۷۶/۷۱	۷۱/۰۶
بوشهر	۵۲/۰۵	۸۲۰	۸۰/۵۱	۷۵/۱۶
تهران	۸۴/۱۵	۳۴۶۷	۸۸/۰۴	۸۴/۹۵
چهارمحال و بختیاری	۴۵/۰۵	۸۹۲	۷۶/۹۶	۷۰/۴۹
خراسان	۵۶/۵۸	۱۰۹۸	۸۰/۹۱	۷۶/۸۲
خوزستان	۶۲/۵۲	۹۴۱	۷۶/۹۰	۶۹/۹۹
زنجان	۴۷/۲۱	۸۰۰	۷۴/۷۸	۶۷/۸۴
سمنان	۶۸/۲۹	۱۶۳۶	۸۴/۴۶	۸۰/۷۱
سیستان و بلوچستان	۴۶/۱۲	۴۷۶	۵۷/۲۶	۴۸/۷۷
فارس	۵۶/۶۷	۱۲۵۳	۸۱/۷۸	۷۷/۳۹
قم	۹۱/۱۶	۹۲۵	۸۱/۸۷	۷۷/۰۵
کردستان	۵۲/۴۲	۵۳۷	۶۸/۲۹	۵۷/۴۳
کرمان	۵۲/۸۹	۱۱۸۸	۷۸/۲۴	۷۴/۸۰
کرمانشاه	۶۱/۷۵	۸۷۱	۷۶/۵۵	۷۰/۱۴
کهگیلویه و بویراحمد	۳۹/۲۳	۷۵۷	۷۵/۵۹	۶۸/۲۸
گیلان	۴۶/۸۳	۱۲۷۶	۷۹/۱۹	۷۴/۵۶
لرستان	۵۳/۶۵	۷۴۲	۷۴/۸۲	۶۸/۸۷
مازندران	۴۴/۳۷	۱۳۱۴	۷۹/۴۹	۷۴/۵۶
مرکزی	۵۷/۰۶	۱۰۹۹	۷۹/۳۳	۷۳/۹۵
هرمزگان	۴۱/۸۰	۶۴۱	۷۲/۷۵	۶۶/۵۵
همدان	۴۸/۳۱	۸۱۳	۷۷/۲۸	۷۱/۳۲
یزد	۷۵/۱۵	۱۶۵۳	۸۳/۶۹	۷۹/۶۶

مأخذ: (علوی تبار، ۱۳۸۰: ۵۱)

○ بسیاری از شاخص های اجتماعی در ایران سیر صعودی یافته است، اما نسبت به کشورهای دیگر، از جمله کشورهای همسایه خود در گذشته از نظر برنامه ریزی، مانند مالزی و کره جنوبی، از درجه توسعه یافتگی کمتری برخوردار است. این کشورها که چه از لحاظ داشتن نیروی انسانی ماهر و چه از نظر امکانات و منابع از ایران پایین تر بودند، اینک گوی سبقت را در توسعه یافتگی از ایران ربوده اند.

جدول شماره ۸- درجه بندی استانها بر حسب ضریب توسعه اجتماعی

ضریب	استان
۰/۸۱۶	سیستان و بلوچستان
۰/۸۰۱	کردستان
۰/۸۵۰	آذربایجان غربی
۰/۸۸۰	هرمزگان
۰/۹۲۲	اردبیل
۰/۹۲۶	کهگیلویه و بویراحمد
۰/۹۶۳	لرستان
۰/۹۰۴	همدان
۰/۹۰۸	ایلام
۰/۹۲۴	زنجان
۰/۹۲۴	چهارمحال و بختیاری
۰/۹۳۶	کرمانشاه
۰/۹۳۷	خوزستان
۰/۹۳۸	آذربایجان شرقی
۰/۹۳۷	بوشهر
۰/۹۹۴	کرمان
۰/۹۹۶	مازندران
۰/۹۰۸	مرکزی
۰/۹۲۲	گیلان
۰/۹۵۰	خراسان
۰/۹۶۷	فارس
۰/۹۵۱	قم
۰/۹۶۵	سمنان
۰/۹۶۵	یزد
۰/۹۶۶	اصفهان
۰/۹۸۱	تهران

مأخذ: (همان: ۴۷)

○ افزایش جرم و جنایت و آسیب‌های اجتماعی به گونه‌ای است که شمار پرونده‌های موجود در دادگاههای کشور از ۱۵۸۰۵۵۳ پرونده در سال ۱۳۷۶ به ۷۶۶۷۷۸۲ پرونده در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است؛ یعنی از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۰ نزدیک به ۳۸/۸ درصد رشد داشته است به گونه‌ای که در برخی استانها چند برابر شده است.

از متغیرها باید با احتیاط بیشتری برخورد و تحلیل‌های منطقی تر ارائه کرد زیرا نخست، گسترش واقعیت‌هایی چون طلاق، مهاجرت نخبگان، اعتیاد، ایدز، جرایم، قانونشکنی‌ها و... به نگرانی‌ها در مورد توان اجتماعی و همبستگی و یکپارچگی جامعه دامن می‌زند؛ دوم، توزیع منابع و سازوکارهای توسعه در مکانهای متعدد و متفاوت نیز یکی از ضرورت‌های توسعه اجتماعی جامعه است، زیرا، اگر چنین نباشد، فقط طبقات خاصی از جامعه می‌توانند از منابع و امکانات برخوردار شوند و بهره‌گیرند.

برای نشان دادن تصویری جامع‌تر از روند توسعه اجتماعی در استانها باید توزیع منابع توسعه اجتماعی در سراسر کشور بررسی شود. از این رو، افزون بر نابسامانیهای مطرح شده در جدولهای بالا، تلاش می‌شود بر پایه برخی دیگر از آمارها، تصویر استان‌های کشور از نظر شهرنشینی، باسوادی، سهم اشتغال زنان از کل اشتغال، میزان باسوادی زنان، شمار دانش‌آموختگان در مراکز آموزش عالی نسبت به کل جمعیت نشان داده شود و سپس رتبه استان‌ها از لحاظ میزان توسعه یافتگی اجتماعی، ترسیم گردد.

بر پایه داده‌های جدول شماره ۷ می‌توان استانهای کشور را از لحاظ ضریب توسعه اجتماعی به گونه‌ای که در جدول شماره ۸ دیده می‌شود، رتبه بندی کرد:

بر پایه جدول شماره ۸، استان سیستان و بلوچستان دارای پایین‌ترین ضریب توسعه اجتماعی (۰/۸۱۶ درصد) و استان تهران با ۰/۹۸۱ درصد دارای بالاترین ضریب توسعه اجتماعی در کشور است و اختلاف میان بالاترین و پایین‌ترین مقدار (۰/۷۹۷ درصد) نشان می‌دهد که نابرابری چشمگیری در زمینه توزیع شاخص‌های توسعه اجتماعی میان استانهای ایران وجود دارد. برای آسان شدن دسته‌بندی استانها از نظر رتبه ضریب توسعه اجتماعی و بر پایه آمارهای جدولهای بالا، می‌توان استانهای کشور را از لحاظ اجتماعی به بخش‌های خیلی محروم، محروم، در حال توسعه، توسعه یافته و خیلی توسعه یافته دسته‌بندی کرد (البته این دسته‌بندی بر پایه ضرایب

جهانی نیست، بلکه با توجه به آمارهای موجود و برای آسان شدن نتیجه‌گیری صورت پذیرفته است.)

جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که بیشتر استانها، در مقایسه با استانهای تهران و اصفهان، از نظر توسعه اجتماعی وضع چندان مطلوبی ندارند. اگر کلیت کشور را یک نظام بدانیم، باید گفت نظامی از تعادل نسبی و لازم برخوردار است که اجزای آن روابط منطقی با هم داشته باشند؛ زیرا برتری یک یا چند عنصر بر دیگر عناصر، پیامدها و کارکردهای منفی خواهد داشت. پیامد برخی نابرابری‌های اجتماعی در استانها عبارت است از مهاجرت‌های

جدول شماره ۹- تقسیم‌بندی استانهای ایران بر پایه ضریب توسعه اجتماعی

استانها	رتبه استان
سیستان و بلوچستان کردستان، آذربایجان غربی، هرمزگان، اردبیل کهگیلویه بویراحمد، لرستان، همدان، ایلام، زنجان، چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه خوزستان، آذربایجان شرقی، بوشهر، کرمان، مازندران، مرکزی، گیلان، خراسان فارس، قم، سمنان، یزد اصفهان، تهران	بیرون از چارچوب تحلیل خیلی محروم محروم در حال توسعه توسعه یافته خیلی توسعه یافته

ناخالص ملی، رشد تولید ناخالص داخلی، کاهش نسبت وابستگی، بهبود وضع توزیع درآمد، بهبود وضع اشتغال و کاهش بیکاری، رشد درآمد سرانه و....

برای به دست دادن تصویری کلی از روند شاخص‌های اقتصادی در ایران، با اشاره به آمارهای داخلی، به مقایسه آنها با آمارها در برخی کشورها می‌پردازیم؛ سپس استان‌های کشور را از دیدگاه اقتصادی رتبه‌بندی می‌کنیم.

جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که درآمد سرانه، در آمد حاصل از فعالیت زنان و نرخ فعالیت زنان در اقتصاد رو به افزایش نهاده و شاخص فقر نیز کاهش یافته است. همچنین بر پایه جدول شماره ۱۱ می‌توان گفت که روند شاخص‌های اقتصادی ایران، نسبت به گذشته بهبود یافته، اما ایران در مقایسه با کشورهای هم‌ردیف خود، در مرحله پایین تری است.

بانک جهانی در ارزیابی اوضاع اقتصادی کشورهای جهان، ایران را در رده کشورهای با اقتصاد متوسط رو به پایین قرار داده است (World Bank: 2002). ناگفته نماند که روند توسعه اقتصادی ایران زمانی بهتر مشخص می‌شود که توزیع آن نیز بر پایه برخی شاخص‌ها معین شود و از آنجا که برقراری توازن اقتصادی مستلزم رفع نابرابری‌های فاحش در درآمد و ثروت افراد جامعه است، می‌توان با بررسی روند زمانی شاخص‌های گوناگون توزیع درآمد در کشور، عملکرد اقتصادی را در زمینه ایجاد توازن اقتصادی ارزیابی کرد. جدول شماره ۱۲ چگونگی بررسی ضریب جینی جامعه را نشان می‌دهد.

در جدول بالا، مقادیر ضریب جینی کل کشور و نیز نسبت سهم دهک اول (ده درصد پر درآمدترین)

گسترده، بازنگشتن دانش‌آموختگان به زادگاههای محروم خود، تمرکز سرمایه‌ها در مناطق توسعه یافته و به دنبال آنها، انواع آلودگی‌ها و ترافیک سنگین، افزایش هزینه‌های زندگی، همچنین انواع جرم‌ها و انحرافات اجتماعی و...

شاخص‌های توسعه اقتصادی در ایران

تاکنون تعریف‌های گوناگونی از توسعه شده است که هر یک وجهی از این فراگرد پیچیده را مورد توجه قرار داده است. در حالی که جامعه‌شناسان به تکثر و تنوع نهادها، دانشمندان علوم سیاسی به افزایش مشارکت‌ها و دیگرگونی نهادهای قدرت و روانشناسان به ظرفیت کشف اسرار طبیعت و به‌کارگیری دانش برای تأمین زندگی در تعریف توسعه نظر دارند، اقتصاددانان بر افزایش شاخص‌های اقتصادی از جمله درآمد سرانه انگشت می‌گذارند. بنابراین، از دیدگاه اقتصادی، توسعه عبارت است از «تحوّل وضع اقتصادی در اثر بهبود بنیادهای اقتصادی-اجتماعی» (ملکی؛ ۱۳۸۰: ۳۵). شاخص‌هایی که بیشتر از این دیدگاه مورد نظر است، عبارت است از: رشد تولید

○ رشد برخی متغیرهای انسانی در یک کشور به معنی ورود آن کشور به عرصه توسعه نیست، زیرا جامعه انسانی مجموعه‌ای از سازمانها، روابط و نهادهای مرتبط است و به این سبب، در تحلیل دیگرگونیهای اجتماعی باید همه جنبه‌ها دیده شود. به سخن دیگر، با روند صعودی برخی از متغیرها باید با احتیاط بیشتری برخورد و تحلیل‌های منطقی‌تر ارائه کرد.

جدول شماره ۱۰- شاخص‌های توسعه اقتصادی

شاخص	۱۹۹۷	۱۹۸۸
سرانه GDP به دلار	۵۲۲۲	۳۷۱۵
درآمد حاصل از کار زنان	۹/۷	۷/۶
درآمد حاصل از کار مردان	۹۰/۳	۹۲/۴
شاخص فقر HPI	۱۸/۶	۳۱
جمعیت زیر درآمد ۱ دلار در روز	۳/۳	۱/۵
نرخ فعالیت زنان در اقتصاد	۱۴/۳	۱۱/۶

برگرفته شده از: (Human Development Report of

Iran: 1999: 146)

جدول شماره ۱۱- مقایسه شاخص های اقتصادی ایران با برخی کشورها

شاخص های اقتصادی	کشور			
	سال	ایران	مالزی	کره جنوبی
نرخ نسبت وابستگی	۱۹۸۰	۰/۹۳	۰/۷۵	۰/۶۰
	۱۹۹۶	۰/۸۱	۰/۷۰	۰/۴۴
نرخ نیروی کار زنان در بخش های اقتصادی	۱۹۹۴	۱۳/۴	۳۶/۵۸	۴۴/۸۳
	۱۹۹۶	۱۴/۲	۳۷/۰۱	۴۰/۷۵
نرخ نیروی کار کودکان ۱۰-۱۴ ساله	۱۹۹۵	۴/۷۰	۳/۱۳	۰
	۱۹۹۶	۴/۲۸	۲/۹۹	۰
GDP	۱۹۸۰	۲۹۵۰/۷۰	۳۱۷۴/۲۰	۲۴۴۱/۵۶
	۱۹۹۰	۴۲۲۹/۱۳	۶۵۸۸/۳۵	۷۸۳۵/۷۲
	۱۹۹۵	۵۳۵۰/۸۷	۱۰۲۶۱/۰۲	۱۲۳۵۵/۱۵
رشد تولیدات یا ورود داد محصولات	۱۹۹۰	۱/۷	۵/۳	۸/۹
	۲۰۰۱	۳/۶	۶/۵	۵/۷

بر گرفته شده از: مأخذ (World Bank: 2002)

جدول شماره ۱۲- ضریب جینی و نسبت سهم دهک بالا به دهک پایین درآمدی در ایران

سال	ضریب جینی	نسبت سهم بالاترین دهک درآمدی به پایین ترین	سال	ضریب جینی	نسبت سهم بالاترین دهک درآمدی به پایین ترین
۱۳۴۷	۰/۴۷۰۱	۲۸/۷۷	۱۳۶۴	۰/۴۵۲	۲۴/۹۹
۱۳۴۸	۰/۴۴۱۴	۲۲/۹۳	۱۳۶۵	۰/۴۶۶	۲۹/۷۸
۱۳۴۹	۰/۴۷۰۱	۲۴/۳۳	۱۳۶۶	۰/۴۶۶	۲۳/۱۷
۱۳۵۰	۰/۴۴۵	۱۷/۲	۱۳۶۷	۰/۴۳۸	۲۲/۱۹
۱۳۵۱	۰/۴۵۰۴	۱۷/۴۵	۱۳۶۸	۰/۴۳۸	۲۳/۱۸
۱۳۵۲	۰/۵۱۴۹	۲۸	۱۳۶۹	۰/۴۲۹	۲۳/۵۱
۱۳۵۳	۰/۴۷۲۵	۱۹/۴۴	۱۳۷۰	۰/۴۵۶	۲۷/۳۱
۱۳۵۴	۰/۵۱۷۳	۲۶/۶۷	۱۳۷۱	۰/۴۳۵	۲۳/۲۱
۱۳۵۵	-	-	۱۳۷۲	۰/۴۲۵	۲۲/۰۸
۱۳۵۶	۰/۵۱۴۴	۳۱/۹۲	۱۳۷۳	۰/۴۲۴	۱۹/۹۷
۱۳۵۷	-	-	۱۳۷۴	۰/۴۲۷	۲۰/۵۳
۱۳۵۸	۰/۵۱۱۹	۲۶/۶۷	۱۳۷۵	۰/۴۳	۲۰/۲۱
۱۳۵۹	-	-	۱۳۷۶	۰/۴۲۲	۱۸/۹۳
۱۳۶۰	-	-	۱۳۷۷	۰/۴۳	۲۱/۱۹
۱۳۶۱	۰/۴۴۱	۲۲/۲۲	۱۳۷۸	۰/۴۲	۱۹/۳۷
۱۳۶۲	۰/۴۵۴	۲۵/۵۱	۱۳۷۹	۰/۴۲۴	-
۱۳۶۳	۰/۴۵۳	۲۶/۰۸	۱۳۸۰	۰/۴۲۲	-

مأخذ: (ناجی میبانی، ۱۳۸۲: ۱۰۱)

○ از دیدگاه اقتصادی، توسعه عبارت است از «تحوّل وضع اقتصادی در اثر بهبود بنیادهای اقتصادی-اجتماعی». شاخص هایی که بیشتر از این دیدگاه مورد نظر است، عبارت است از: رشد تولید ناخالص ملی، رشد تولید ناخالص داخلی، کاهش نسبت وابستگی، بهبود وضع توزیع درآمد، بهبود وضع اشتغال و کاهش بیکاری، رشد درآمد سرانه و.....

۳۴/۸۳ و پس از انقلاب ۳۰/۹۸ بوده است؛ به این معنی که پیش از انقلاب، طبقات بالا نزدیک به ۳۵ برابر طبقات پایین از درآمدهای جامعه استفاده می کرده اند و پس از انقلاب حدود ۳۱ برابر آنها از درآمدهای کشور استفاده می کنند. (میزان نابرابری درآمدها در ستون «نسبت سهم بالاترین دهک درآمدی به پایین ترین» برای هفده سال در جدول

به دهک دهم (ده درصد کم درآمدترین) در سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۰ آمده است. داده های این جدول و همچنین جدول شماره ۱۳ نشان می دهد که به سبب وجود نابرابری در جامعه، طبقات بالا چند برابر طبقات پایین از منابع و درآمدهای اقتصادی جامعه استفاده می کنند. میانگین برخورداری طبقه بالای جامعه، یعنی دهک اول، پیش از انقلاب

جدول شماره ۱۳- میانگین سهم دهک‌های درآمدی در پیش و پس از انقلاب

D10	D9	D8	D7	D6	D5	D4	D3	D2	D1	دهک
۱/۴	۲/۶۱	۳/۷۱	۴/۷۲	۵/۹	۷/۴۷	۹/۲۵	۱۲	۱۸/۲	۳۲/۸۳	میانگین پیش از انقلاب
۱/۷۲	۳/۳	۴/۴۷	۵/۵۶	۶/۹۱	۸/۳۲	۹/۸۲	۱۲/۷	۱۶/۱	۳۰/۹۸	میانگین پس از انقلاب

مأخذ: (عیوضلو، شوال پور؛ ۱۳۸۲: ۸۵)

جدول شماره ۱۴- شاخص بهره‌وری در ایران

سال	شاخص بهره‌وری سرمایه
۱۳۷۱	۱۰۰
۱۳۷۲	۹۶/۷
۱۳۷۳	۹۱
۱۳۷۴	۸۷/۴
۱۳۷۵	۸۵/۱
۱۳۷۶	۸۱/۱
۱۳۷۷	۸۰/۵
۱۳۷۸	۷۸/۳
۱۳۷۹	۷۸/۴
۱۳۸۰	۷۸/۱

مأخذ: (همان؛ ۸۹)

بالا آمده است.

بررسی بهره‌وری سرمایه در ایران نیز (جدول شماره ۱۴) نشان می‌دهد که شاخص بهره‌وری سرمایه هم نسبت به سال پایه (۱۳۷۱) که ۱۰۰ فرض شده، روندی نزولی داشته است به گونه‌ای که این شاخص در سال ۱۳۷۲ به ۹۶/۷ درصد و در سال ۱۳۸۰ به ۷۸/۱ درصد رسیده است.

برای محسوس شدن روند توسعه اقتصادی در ایران، مانند توسعه اجتماعی، به تفکیک استانها از

جدول شماره ۱۵- شاخص‌های آمارهای اقتصادی استانها

استان	میزان اشتغال	میزان اشتغال صنعتی	میزان باسوادی شاغلان	نسبت وابستگی	معکوس نسبت وابستگی
آذربایجان شرقی	۴۷/۲۸	۳۷/۲۰	۷۳/۶۵	۱/۵۲	۰/۶۶
آذربایجان غربی	۴۵/۹۲	۲۵/۷۷	۶۸/۳۳	۱/۷۴	۰/۵۸
اردبیل	۴۳/۰۳	۲۶/۸۹	۶۹/۱۰	۲/۰۲	۰/۵۰
اصفهان	۴۵/۲۶	۴۲/۱۱	۸۴/۱۳	۱/۵۷	۰/۶۴
ایلام	۳۷/۰۹	۱۹/۹۱	۷۰/۶۳	۲/۵۴	۰/۳۹
بوشهر	۳۹/۱۹	۲۰/۳۶	۷۹/۴۱	۲/۳۷	۰/۴۲
تهران	۴۱/۸۶	۳۲/۸۰	۸۷/۷۶	۱/۴۹	۰/۶۷
چهارمحال و بختیاری	۴۶/۸۲	۴۴/۸۱	۷۳/۲۵	۱/۹۸	۰/۵۰
خراسان	۴۷/۵۱	۳۰/۴۱	۷۷/۱۹	۱/۸۱	۰/۵۵
خوزستان	۳۷/۱۴	۳۰/۸۵	۷۷/۳۶	۲/۴۴	۰/۴۱
زنجان	۴۴/۷۸	۲۸/۸۳	۷۲/۲۸	۱/۹۰	۰/۵۳
سمنان	۴۴/۴۹	۲۷/۰۲	۸۳/۸۴	۱/۵۸	۰/۶۳
سیستان و بلوچستان	۳۷/۹۲	۲۲/۷۱	۵۲/۹۸	۲/۸۲	۰/۳۵
فارس	۴۲/۶۳	۲۸/۷۲	۷۸/۶۷	۱/۹۴	۰/۵۲
قم	۴۱/۰۹	۴۲/۵۶	۸۰/۰۳	۱/۹۴	۰/۵۲
کردستان	۴۵/۸۲	۲۸/۹۴	۶۷/۵۱	۱/۹۳	۰/۵۲
کرمان	۴۲/۳۳	۲۴/۸۰	۷۱/۹۱	۲/۰۶	۰/۴۹
کرمانشاه	۳۹/۶۶	۲۲/۴۵	۷۲/۳۷	۲/۰۵	۰/۴۹
کهگیلویه و بویراحمد	۳۶/۳۵	۲۹/۳۶	۸۰/۵۲	۲/۷۹	۰/۳۶
گیلان	۴۷/۱۱	۲۰/۴۸	۷۱/۸۱	۱/۴۳	۰/۷۰
لرستان	۳۶/۸۷	۳۷/۰۸	۶۷/۹۹	۲/۴۳	۰/۴۱
مازندران	۴۳/۱۵	۲۲/۵۱	۷۴/۹۳	۱/۷۳	۰/۵۸
مرکزی	۴۵/۳۸	۳۷/۵۸	۷۷/۵	۱/۷۲	۰/۵۸
هرمزگان	۳۸/۵۷	۲۲/۳۴	۷۰/۵۶	۲/۴۹	۰/۴۰
همدان	۴۴/۶۲	۲۹/۹۶	۷۴/۴۴	۱/۸۸	۰/۵۳
یزد	۵۱/۰۲	۴۴/۲۰	۸۲/۶۵	۱/۵۴	۰/۶۵

مأخذ: (علوی تبار؛ ۱۳۸۰: ۵۰)

○ نظامی از تعادل نسبی و لازم برخوردار است که اجزای آن روابط منطقی باهم داشته باشند؛ زیرا برتری يك یا چند عنصر بر دیگر عناصر، پیامدها و کارکردهای منفی خواهد داشت. پیامد برخی نابرابری‌های اجتماعی در استانها عبارت است از مهاجرت‌های گسترده، بازنگستن دانش‌آموختگان به زادگاههای محروم خود، تمرکز سرمایه‌ها در مناطق توسعه یافته و به دنبال آنها، انواع آلودگی‌ها و ترافیک سنگین، افزایش هزینه‌های زندگی، همچنین انواع جرم‌ها و انحرافهای اجتماعی و...

جدول شماره ۱۶- درجه بندی استانها بر پایه ضریب توسعه اقتصادی

استان	ضریب
سیستان و بلوچستان	۰/۰۴۰
ایلام	۰/۱۱۷
لرستان	۰/۱۷۵
هرمزگان	۰/۱۸۰
کهگیلویه	۰/۲۵۷
بوشهر	۰/۲۷۵
کرمانشاه	۰/۲۹۹
خوزستان	۰/۳۰۵
کرمان	۰/۳۷۴
اردبیل	۰/۳۹۱
کردستان	۰/۴۷۷
مازندران	۰/۴۸۰
زنجان	۰/۵۰۵
آذربایجان غربی	۰/۵۰۷
فارس	۰/۵۱۰
همدان	۰/۵۳۸
قم	۰/۶۲۵
گیلان	۰/۶۲۶
خراسان	۰/۶۵۱
سمنان	۰/۶۸۸
چهارمحال و بختیاری	۰/۶۹۶
مرکزی	۰/۷۰۴
آذربایجان شرقی	۰/۷۶۹
یزد	۰/۷۷۴
اصفهان	۰/۸۶۱
تهران	۰/۹۶۵

مأخذ (همان: ۴۹)

این دیدگاه می پردازیم و سپس رتبه آنها را بررسی می کنیم. متغیرهای مورد توجه در این رتبه بندی عبارت است از: میزان اشتغال، میزان اشتغال صنعتی، میزان باسوادی شاغلان، نسبت وابستگی و....

بر پایه جدول شماره ۱۵، ضریب توسعه یافتگی استانهای کشور را این گونه می توان رتبه بندی کرد: استان سیستان و بلوچستان با ضریب توسعه اقتصادی (۰/۰۴۰ درصد) در پایین ترین حد است و استان تهران با ۰/۹۶۵ درصد بالاترین حد توسعه اقتصادی قرار دارد و نیز همانند توسعه اجتماعی، اختلاف ۰/۹۲۵ درصدی در زمینه اقتصادی، بیانگر توزیع نابرابر شاخص های اقتصادی در استانهای کشور است.

بر اساس آمارهای بالا، می توان استانهای کشور را به خیلی محروم، محروم، در حال توسعه، توسعه یافته و خیلی توسعه یافته تقسیم کرد، به گونه ای که در جدول ۱۷ آمده است.

طبق جدول شماره ۱۷ بیشتر استانهای کشور در رتبه های خیلی محروم، محروم و در حال توسعه هستند. هر چند ایران به لحاظ برخی شاخص های اقتصادی رشد داشته است، اما از یک سو این رشد نسبت به دیگر کشورها، پایین تر است و از سوی دیگر توزیع منابع رشد در کشور چندان عادلانه نبوده است و به همین دلیل نابرابری منابع در استانهای کشور دیده می شود.

○ آمار بسیاری از جرایم در کشور نسبت به سالهای پیش افزایش چشمگیر داشته است و به نظر می رسد که این افزایش رابطه ای تنگاتنگ با توزیع نابرابر منابع در سطح کشور داشته باشد.

رتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۱۷- رتبه بندی استانها از لحاظ میزان توسعه اقتصادی

رتبه	استان
خارج از منطقه همگن	سیستان و بلوچستان
خیلی محروم	ایلام، لرستان، هرمزگان، کهگیلویه، بوشهر، کرمانشاه
محروم	خوزستان، کرمان، اردبیل، کردستان
در حال توسعه	مازندران، زنجان، آذربایجان غربی، فارس، همدان، قم، گیلان، خراسان، سمنان، چهارمحال و بختیاری
توسعه یافته	مرکزی، آذربایجان شرقی، یزد
خیلی توسعه یافته	اصفهان، تهران

جدول زیر درجه‌بندی استانها را برحسب ضریب توسعه اقتصادی و اجتماعی که بیشتر مطرح شد، نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱۸- درجه‌بندی استانها برحسب

ضریب توسعه اجتماعی و اقتصادی

استان	ضریب
سیستان و بلوچستان	۰/۰۹۳
هرمزگان	۰/۱۶۲
کردستان	۰/۱۸۴
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۲۱۰
آذربایجان غربی	۰/۲۳۷
اردبیل	۰/۲۵۳
ایلام	۰/۲۵۵
لرستان	۰/۲۶۲
بوشهر	۰/۳۲۳
کرمانشاه	۰/۳۳۹
زنجان	۰/۳۴۲
خوزستان	۰/۳۴۵
همدان	۰/۳۵۸
کرمان	۰/۳۹۲
مازندران	۰/۴۱۸
چهارمحال و بختیاری	۰/۴۲۰
گیلان	۰/۴۸۰
آذربایجان شرقی	۰/۴۸۳
فارس	۰/۴۸۵
خراسان	۰/۴۹۳
مرکزی	۰/۵۰۵
قم	۰/۶۱۲
سمنان	۰/۶۲۷
یزد	۰/۶۴۵
اصفهان	۰/۷۵۰
تهران	۰/۸۱۶

مأخذ: (همان: ۴۶)

می‌توان استانهای کشور را به خیلی محروم، محروم، درحال توسعه، توسعه یافته و خیلی توسعه یافته تقسیم کرد. (باید دوباره تأکید کرد که این تقسیم‌بندی هیچ رابطه‌ای با نظام تقسیم‌بندی جهانی ندارد و تنها مبتنی بر داده‌های موجود در روند تحقیق است.)

براساس داده‌های جدول شماره ۱۹ توسعه نیافتگی استان سیستان و بلوچستان به اندازه‌ای است که در این طبقه‌بندی نمی‌گنجد. همان‌گونه که دیده می‌شود، تهران و اصفهان در این زمینه پیش‌نشانند و یزد، سمنان و قم در رتبه‌های بعد قرار می‌گیرند. هرچند برخی نابرابری‌ها ممکن است به سبب استعداد منطقه‌ای باشد، اما برنامهریزی‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی، تا اندازه‌ی زیادی این نابرابری‌هاست. چگونگی توزیع منابع اقتصادی و اجتماعی، هشداری است به متولیان ابعاد گوناگون توسعه که در توزیع خدمات و امکانات اجتماعی و اقتصادی بازاندیشی کنند.

سخن پایانی

امروزه توسعه یافتگی و شاخص‌های توسعه انسانی، اقتصادی و اجتماعی یکی از مناسب‌ترین و فراگیرترین ملاک‌های ارزیابی کارایی و تعادل ساختاری در جوامع است. رشد شاخص‌های توسعه، بیشتر نیازمند اصلاح ساختارها و ایجاد بسترهای ضروری توسعه است که در کنار معیارهای جهانی و عام نسبت به ویژگی‌های هر يك از جوامع متفاوت است. شناخت بسترهای موجود در جامعه، نیازمند بررسی اوضاع جاری و نقاط ضعف و قوت شاخص‌های توسعه در مکانهای گوناگون است. براین پایه، این نوشتار نیز با هدف تحلیل وضع موجود به لحاظ توسعه یافتگی به بررسی شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه مبادرت ورزیده و کوشیده است تصویری کلی از آن وضع به دست دهد.

چنان که در مقاله اشاره شد، توسعه از دیدگاههای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است که از جمله می‌توان به رویکردهای اقتصادی و اجتماعی اشاره کرد. آنان که

جدول بالا گویای آن است که استان سیستان و بلوچستان با ضریب ۰/۹۳ درصد در پایین‌ترین حد توسعه اجتماعی - اقتصادی و استان تهران با ضریب ۰/۸۱۶ درصد، دارای بالاترین حد توسعه اجتماعی - اقتصادی است و نابرابری توسعه اجتماعی - اقتصادی در استانهای کشور از آمارهای ذکر شده نمایان است. برپایه این جدول

رتبه‌بندی	استان
خارج از منطقه همگن	سیستان و بلوچستان
خیلی محروم	هرمزگان، کردستان، کهگیلویه و بویر احمد، آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، لرستان
محروم	بوشهر، کرمانشاه، زنجان، خوزستان، همدان، کرمان، مازندران، چهارمحال و بختیاری
در حال توسعه	گیلان، آذربایجان شرقی، فارس، خراسان، مرکزی
توسعه یافته	قم، سمنان، یزد
خیلی توسعه یافته	اصفهان، تهران

○ توسعه اجتماعی از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه زندگی مردمان در یک جامعه پیوند تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی، بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی، یا ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و پرورش و چگونگی گذراندن اوقات فراغت است.

مطلوب‌تر که بتواند پاسخگوی مشکلات اجتماعی باشد، لازم است. آنچه از روند توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران برمی‌آید، بهبود محسوس بسیاری از شاخص‌های توسعه کشور در چند سال گذشته است؛ اما نکته مهم این است که از یک سو، سیر صعودی شاخص‌ها در قیاس با برخی کشورهای هم‌ردیف، کمتر است و از سوی دیگر، به سبب توزیع نامناسب امکانات و منابع توسعه در بدنه جامعه، شکاف میان فقیرترین و غنی‌ترین استانها به گونه نسبی همچنان ادامه دارد، به گونه‌ای که نامتوازن بودن شاخص‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی، محرومیت چند لایه افراد را در جامعه به نمایش می‌گذارد و تا اندازه زیادی موجبات اختلاف میان بالاترین و پایین‌ترین دهک جامعه را فراهم می‌سازد. از سویی، همان‌گونه که در مقاله مطرح شد، آمار بسیاری از جرایم در کشور نسبت به سالهای پیش افزایش چشمگیر داشته است و به نظر می‌رسد که این افزایش رابطه‌ای تنگاتنگ با توزیع نابرابر منابع در سطح کشور داشته باشد. بنابراین، شاید بتوان گفت که روند بهبود برخی شاخص‌ها در یک کشور به معنای ورود آن کشور به عرصه توسعه یافتگی نیست، بلکه چون اجزا و عناصر یک نظام اجتماعی با هم ارتباط دارند، تأثیر توسعه یافتگی باید در همه ارکان و عناصر آن نظام دیده شود، نه اینکه بخشی از آنها بیرون از منطقه همگن و بخشی در بالاترین حد توسعه اجتماعی و اقتصادی باشد.

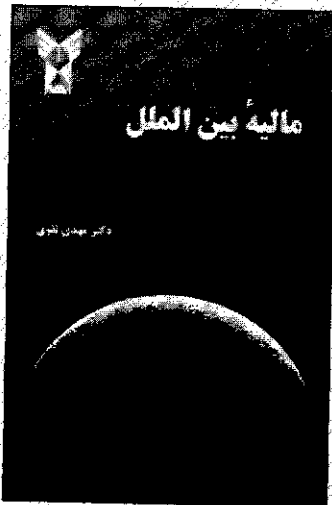
بسترهای اقتصادی را ملاک توسعه یافتگی می‌دانند، به مجموعه تولیدات و درآمدهای یک کشور می‌نگرند و چون پیتر دورنر (P. Durner) توسعه اقتصادی را «گسترش امکانات و پرورش توانمندی بشر برای جلوگیری از فقر» می‌دانند و نیز مانند مک لوب (M.Loap) بر «کاربرد منابع تولیدی، به گونه‌ای که سبب رشد بالقوه مداوم درآمد سرانه در یک کشور شود» تأکید می‌کنند (از کیا؛ ۱۳۷۷: ۱۰). بنابراین، از دیدگاه اقتصادی، توسعه شبکه‌ای به هم پیوسته و متشکل از مجموع محصولات و درآمدها است که با توجه به منابع و همه موجودی‌های داخلی و با در نظر گرفتن وابستگی متقابل با دیگر کشورها، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، توسعه اجتماعی از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه زندگی مردمان در یک جامعه پیوند تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی، بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی، یا ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و پرورش و چگونگی گذراندن اوقات فراغت است. برای مبناست که می‌گویند: «منظور از توسعه اجتماعی اشکال متفاوت کنش متقابلی است که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می‌دهد» (توسلی؛ ۱۳۸۱: ۴۳۸). بنابراین توسعه اجتماعی نیز در پی بهبود وضع اجتماعی افراد جامعه است و برای تحقق این هدف، تغییر الگوهای دست و پاگیر و زواید رفتاری، شناختن و روی آوردن به یک نگرش، آرمان و اعتقاد

منابع و مآخذ

- توسعه، شماره ۳۱، ۱۳۷۱
- مک لئورد، تاس. ا.ج. برنامهریزی در ایران، ترجمه اعظم محمدیگی، نشر نی، ۱۳۷۷
- مؤمنی، فرشاد، کالبدشکافی یک برنامه توسعه، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴
- موسوی چک، حسن، «توسعه، جرائم و آسیب‌های اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، ۱۳۸۱
- نظری، محسن، «مشخصه‌های تحول بازار نیروی کار در ایران در چهار دهه اخیر، ۱۳۳۵-۱۳۵۷»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۲-۱۳۱
- ناجی میدانی، علی اکبر، «توازن اقتصادی از دیدگاه اسلام و عملکرد اقتصادی ایران»، مجموعه مقالات سومین دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۲
- وایست، ون، مؤلفه‌های توسعه اجتماعی، ترجمه موسی عنبری، ره‌آورد، شماره ۶
- Human Development (HDR), 2002, UNDP, Oxford University Press
- UNCRD (1988), Regional Development Dialogue, Vol 7, No 1, pp 31-32
- World Development indicators, 2002
- www. ciesin. org. world bank: social indicators of Development
- از کیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه، نشر کلمه، تهران، ۱۳۷۷
- توسلی، غلامعباس، «جامعیت مفهوم توسعه»، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی توسعه، جلد دوم، ۱۳۸۱
- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، مؤسسه پژوهش در برنامهریزی توسعه، تهران، ۱۳۷۸
- دیاکیت، سیدکی، توسعه فقط مسأله فن‌سالارانه نیست، ترجمه احمد محقق، از مجموعه کتاب توسعه، شماره ۱۳۷۱، ۳
- صوفی مجیدپور، مسعود، «روند شاخص‌های اجتماعی ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، شماره ۱۲، ۱۳۸۳
- علوی تبار، علی‌رضا، الگوی مشارکت شهروندان در ادلوه امور شهرها، جلد دوم، تهران، ۱۳۸۰
- عیوضلو، حسین و شوالپور، محمد، «نظریه توزیع اسلامی ثروت و درآمد و عملکرد اقتصادی ایران»، مجموعه مقالات سومین دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۲
- مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، «هسته مطالعاتی فقر»، روستا، فقر، توسعه، انتشارات روستا و

○ آنچه از روند توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران برمی‌آید، بهبود محسوس بسیاری از شاخص‌های توسعه کشور در چند سال گذشته است؛ اما نکته مهم این است که از یک سو، سیر صعودی شاخص‌ها در قیاس با برخی کشورهای هم‌ردیف، کمتر است و از سوی دیگر، به سبب توزیع نامناسب امکانات و منابع توسعه در بدنه جامعه، شکاف میان فقیرترین و غنی‌ترین استانها به گونه نسبی همچنان ادامه دارد، به گونه‌ای که نامتوازن بودن شاخص‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی، محرومیت چند لایه افراد را در جامعه به نمایش می‌گذارد و تا اندازه زیادی موجبات اختلاف میان بالاترین و پایین‌ترین دهک جامعه را فراهم می‌سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مالیه بین الملل

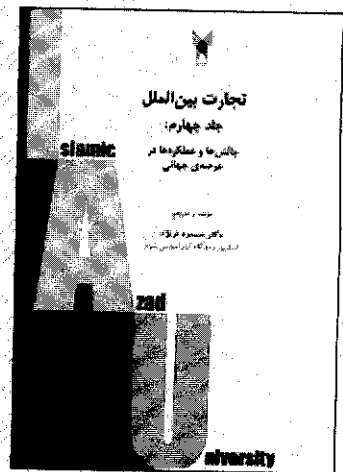
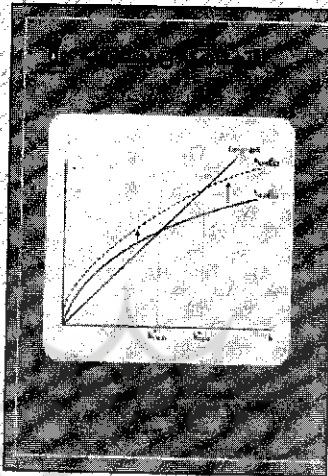
دکتر مهدی تقوی

مالیه بین الملل

دکتر مهدی تقوی
دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علوم و تحقیقات
بها ۳۸۰۰ تومان

اقتصاد کلان پیشرفته

نوشته دیوید رومر
ترجمه دکتر مهدی تقوی
دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علوم و تحقیقات
بها ۲۴۰۰ تومان

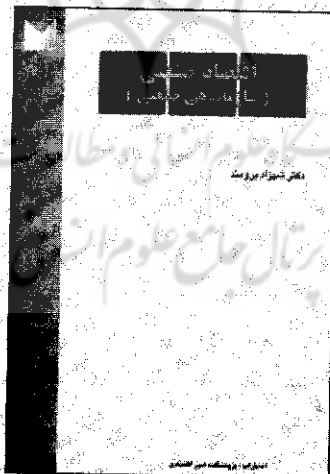


تجارت بین الملل (چهار جلد)

چالش ها و عملکردها در عصره جهانی
مؤلف و مترجم: دکتر مسعود نونزاد
انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی شیراز
بها ۲۰۰۰ تومان

اقتصاد مهندسی

مفاهیم و تکنیک های اقتصاد مهندسی
مؤلف و مترجم: مهندس حسن اکبری
انتشارات توسعه قلم
بها ۲۵۰۰ تومان



اقتصاد صنعتی (سازماندهی صنعتی)

صنعتی
دکتر شهزاد پرومند
انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی
بها ۱۵۰۰ تومان

نمایه سازی ماشینی

تألیف و ترجمه شهزاد نیاکان
مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
بها ۱۰۰۰ تومان

